بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد محارب 1](#_Toc427751826)

[مرور بحث سابق 1](#_Toc427751827)

[معنای صلب 2](#_Toc427751828)

[معنای تصلیب 2](#_Toc427751829)

[فرق قتل و تصلیب در آیه 2](#_Toc427751830)

[جمع‌بندی 3](#_Toc427751831)

[تحدید صلب 3](#_Toc427751832)

[مستندات بحث 3](#_Toc427751833)

[روایت اول 3](#_Toc427751834)

[بررسی روایت 3](#_Toc427751835)

[روایت دوم 4](#_Toc427751836)

[اطلاق روایات 4](#_Toc427751837)

[فرض حیات پس از سه روز 4](#_Toc427751838)

[اتخاذ مبنا 5](#_Toc427751839)

# حد محارب

# مرور بحث سابق

در بحث پیشین در قبال مقصود از تصلیب و احتمالاتی که در رابطه با آن طبق هر دو مبنای تخییر و ترتیب وجود دارد، مباحثی مطرح شد. و گفته شد که بنا بر مبنای تخییر صلب قبل از قتل و بنا بر مبنای ترتیب پس‌ازآن خواهد بود.

## معنای صلب

در رابطه با تحول معنایی در لغت مطالبی در جلسات پیشین بیان شد، صلب نیز از لغاتی است که در رابطه با او این تحول شکل‌گرفته است، چراکه معنای اصلی آن استخوان اصلی است که ستون فقرات کمر را تشکیل می‌دهد. و در آیه شریفه ٍ **«یخْرُجُ مِنْ بَینِ الصُّلْبِ وَ التَّرائِب»** [[1]](#footnote-1)مقصود از صلب همان اسکلت اصلی استخوانی است که در پشت، از بالای گردن شروع‌شده و تا پایین ستون فقرات ادامه دارد.

علت نام‌گذاری آن نیز سخت بودن این استخوان است، همچنان که عرب به زمین سخت، ارض صلب اطلاق می‌کند. لذا در معنای صلیب طبق آنچه در جلسه پیشین از لغت نقل شد، تحول معنایی باوجود آمده است. و وجه مشترک این دو معنا سختی و مقاومتی است که هم در این استخوان و هم در چوبه‌ای که برای صلیب استفاده می‌شود، وجود دارد.

## معنای تصلیب

آنچه از معنای این واژه در لغت به دست می‌آید همان حالت معروف آویختن است که غالباً برای قتل و خفه کردن فرد به کار گرفته می‌شد، اما در مواردی نیز برای تأدیب فرد به کار می‌بردند که اگر طولانی می‌شد فرد به قتل می‌رسید.

با توجه به استعمال بیان‌شده، این سؤال وجود دارد که آیا صلب تنها بستن به چوب است یا به دار آویختن؟ جواب این است که قدر متیقن آن همان بستن به چوب محکم است، اما اینکه علاوه بر این به دار آویختن را نیز در بربگیرد، از لغت چیزی استفاده نمی‌شود. لذا در اینجا شبهه مفهومیه و تردید باوجود می‌آید و لازم است به‌قاعده درع تکیه نمود که او حکم به عدم شمول به دار آویختن می‌کند.

## فرق قتل و تصلیب در آیه

البته ممکن است از تعبیر قتل در آیه که به از باب تفعیل و همراه بامعنای مبالغه استعمال شده، تصلیب توأم با دار آویختن استفاده شود. در آیه شریفه تصلیب ورای از قتل است که به خاطر اهمیت آن جدای از قتل در طول آیه بیان‌شده است، و از یقتلوا در آیه شریفه کشتنی تدریجی به دست نمی‌آید. بلکه مراد از آن کشتنی دفعی و متعارف است.

## جمع‌بندی

پس در حقیقت فرق تصلیب و قتل در آیه شریفه مرگ تدریجی در تصلیب دون القتل است که در مورد اول همراه با نوعی شکنجه است.

## تحدید صلب

سؤالی که در این زمینه وجود دارد، این است که آیا صلب محدد است؟

در روایات بدین سؤال پاسخ‌داده‌شده است که در ابواب حد محارب، باب پنج، صفحه پانصد و چهل‌ویک ذکرشده است.

### مستندات بحث

### روایت اول

**«عَلِی بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِی عَنِ السَّکونِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ع صَلَبَ رَجُلًا بِالْحِیرَةِ ثَلَاثَةَ أَیامٍ ثُمَّ أَنْزَلَهُ یوْمَ الرَّابِعِ فَصَلَّی عَلَیهِ وَ دَفَنَهُ.»[[2]](#footnote-2)**

### بررسی روایت

این روایت ازلحاظ سندی با دو مشکل مواجه است. و ما هر دو اشکال را قبلاً جواب دادیم یکی پدر علی بن ابراهیم و دیگری نوفلی است که چندین جواب ازنظر رجالی مطرح‌شده برای این‌که این سند صحیح باشد. و شاید چند هزار روایت با این سند داشته باشیم.

از سیره امام در این روایت همان‌طور که بارها نیز موردبحث قرارگرفته، تنها جواز استخراج می‌شود و وجوبی را نمی‌توان به دست آورد.

### روایت دوم

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْیعْقُوبِی عَنْ مُوسَی بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُیسِّرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ السَّکونِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تُقِرُّوا الْمَصْلُوبَ بَعْدَ ثَلَاثَةٍ حَتَّی ینْزَلَ وَ یدْفَنَ.» [[3]](#footnote-3)**

### روایت سوم

این روایت مرسله است، منتها همان‌طور که سابقاً گفته شد به نحو صیغه معلوم است که؛

**«وَ قَالَ الصَّادِقُ ع الْمَصْلُوبُ ینْزَلُ عَنِ الْخَشَبَةِ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَیامٍ یغَسَّلُ وَ یدْفَنُ وَ لَا یجُوزُ صَلْبُهُ أَکثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَیامٍ»[[4]](#footnote-4)**

### اطلاق روایات

برخی روایات مطلق بودند یعنی گفته‌شده بود؛ پس از سه روز پایین آورده شود، اما اینکه زنده باشد یا باید مرده باشد؟ با قرائنی می‌توان گفت که انصراف روایت به حالت دوم است چراکه در ادامه آن فرموده شده او را پس از پایین آوردن دفن کنید.

### فرض حیات پس از سه روز

در اینجا فرضی وجود دارد که اگر فرد پس از سه روز نمرد باید چه‌کار کرد؟

سه قول در اینجا وجود دارد؛ برخی قائل‌اند که وظیفه ما تا این مقدار بوده و او نیز عذاب خود را کشیده لذا پس از سه روز اگر زنده ماند او را باید رها کنیم. نظریه دوم، قائل به کشتن او با ابزاری دیگر بعد از سه روز است و نظریه سوم می‌گوید؛ صلب باید تا زمانی که او از دنیا می‌رود ادامه داشته باشد.

البته این موارد احتمالات ثبوتی است و بدین نحو در کلمات فقها ذکر نشده است، اما اینکه هر سه احتمال قائل داشته باشد، به نحو دقیق اطلاعی ندارم.

### اتخاذ مبنا

به خاطر نص روایت که فرموده شد بیش از سه روز او را بالای دار رها نکنید احتمال ابقاء او کنار خواهد رفت و امر دائر مدار بین دو قول دیگر می‌شود. چون در اینجا دلیل خاصی وجود ندارد، طبعاً باید به مفهوم صلب رجوع نماییم.

1. **- 7 / طارق.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 246.** [↑](#footnote-ref-2)
3. **- الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 3، ص: 216.** [↑](#footnote-ref-3)
4. **- من لا یحضره الفقیه؛ ج 4، ص: 68.** [↑](#footnote-ref-4)